

حقوق اقلیت‌ها از منظر حقوق بشر معاصر و فقه اسلامی

دکتر ناصر عزیزی

مدرس دانشگاه، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران

نادیا محمدی زاده

دانش‌آموخته رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰.۱۱.۱۹ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱.۰۱.۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱.۰۴.۲۶

۱۰

چکیده

وجود اقلیت‌ها واقعیتی است که از قرن‌ها پیش در داخل بسیاری از کشورها وجود داشته و توجه به حقوق این اقلیت‌ها به عنوان جزئی از حقوق بشر، صرفاً از اوایل قرن بیست میلادی آغاز شده و با تصویب منشور ملل متحد به اوج خود رسیده است. حال آنکه تا قبل از قرن بیست میلادی، حقوق اقلیت‌ها جزء مسائل سیاسی محسوب شده و داخل در صلاحیت انحصاری دولت‌ها بوده است. رعایت حقوق اقلیت‌ها یکی از دغدغه‌های حقوق بشری و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی است. در فقه اسلام نیز رعایت حقوق اقلیت‌ها، مورد توجه قرار گرفت است. فقه اسلام، با استفاده از منابع غنی اسلامی و با تأکید بر آیات و روایات و کلام معصومان، بارها و در بحث‌های مختلف بر اعطای حقوق اقلیت‌ها و ایجاد شرایط مطلوب زندگی برای آنان تصریح کرده که در پرتو آن، بسیاری از تنش‌ها، فروکش کرده است. با درک این مراتب، این مقاله کوشش کرده که اصول و مبانی حاکم بر حقوق اقلیت‌ها و از آن جمله اقلیت‌های مذهبی در حقوق بشر معاصر و فقه اسلامی را تجزیه و تحلیل نموده و ضمن بررسی‌اندیشه‌ها و مکاسب در این راستا، محدودیت‌های اقلیت‌های دینی در فقه اسلامی را بررسی کند. در نهایت این مقاله نتیجه گرفته که بحث و مقوله‌ی تبعیض در حقوق بین‌الملل در مورد حقوق بشر نفی شده و برای تحقق عدم تبعیض در حقوق اقلیت‌ها بر اصل مساوات و عدم تفاوت تأکید شده اما در حقوق اسلامی، تبعیض در مورد حقوق بشر نفی شده و برای تحقق عدم تبعیض بر اصل عدالت و عدم ظلم تأکید شده است، بنابراین در اکثریت موارد و موضوعات حقوق اقلیت‌ها از نظر هر دو نظام، همانند هم، نفی تبعیض را در حقوق مساوی و بدون تفاوت دیده‌اند، اما حقوق اسلامی در برخی موارد تفاوت در حقوق را پذیرفته است اما آن را تبعیض ندانسته و با اصل عدالت - که رعایت استحقاق‌ها در شرایط مساوی است - هماهنگی تلقی کرده است.

واژگان کلیدی: حقوق اقلیت‌ها، حقوق بین‌الملل، اقلیت‌های دینی، حقوق بشر.

The rights of minorities from the perspective of contemporary human rights and Islamic jurisprudence

Abstract

The existence of minorities is a reality that has existed in many countries for centuries, and attention to the rights of these minorities as a part of human rights has only begun since the beginning of the ۲۰th century and has reached its peak with the adoption of the United Nations Charter. However, until the ۲۰th century, the rights of minorities were considered political issues and were under the exclusive jurisdiction of governments. Respecting the rights of minorities is one of the concerns of human rights and various international conventions. In Islamic jurisprudence, respect for the rights of minorities has been taken into consideration. Islamic jurisprudence, by using rich Islamic resources and emphasizing on the verses and traditions and the words of the innocents, has stated many times and in various debates on granting the rights of minorities and creating favorable living conditions for them, that in the light of that, many tensions subsided. has done. Understanding this, this article has tried to analyze the principles and foundations governing the rights of minorities, including religious minorities in contemporary human rights and Islamic jurisprudence, and while examining ideas and gains in this direction, the limitations of religious minorities in jurisprudence. Check Islamic. Finally, this article concluded that the discussion and category of discrimination in international law is negated in the case of human rights, and in order to realize non-discrimination in the rights of minorities, the principle of equality and non-difference is emphasized, but in Islamic law, discrimination in the case of human rights is negated and for The realization of non-discrimination is emphasized on the principle of justice and non-oppression, therefore, in the majority of cases and issues of minority rights, from the point of view of both systems, they have seen the negation of discrimination in equal rights and without difference, but in some cases, Islamic law has differences in rights. accepted it, but did not consider it discrimination and considered it to be in harmony with the principle of justice - which is the observance of rights under equal conditions.

Keywords: minority rights, international law, religious minorities, human rights.

مقدمه

رعایت حقوق اقلیت‌ها و منع تبعیض نسبت به آنها از جمله مسائلی است که به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه و حمایت نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. هر چند جهان در چند دهه اخیر شاهد برخوردهای خصمانه و خشونت بار گروه‌های مختلف یا پاکسازی‌های قومی اقلیت‌ها بوده، تمهیداتی برای رعایت حقوق اقلیت‌ها و تأمین همزیستی مسالمت آمیز اقوام مختلف نیز اندیشیده شده است.

حساسیت حامیان حقوق بشر و حقوقدانان نسبت به تبعیض در قبال اقلیت‌ها (عمدتاً اقلیت‌های مذهبی) خیلی بیشتر از نگرانی آنها نسبت به حقوق زنان و افراد دیگر پدید آمد. در گذشته زمانی که نظام فئودالی و سرکوب آزادی زنان همچنان پابرجا بود، معاهدات و موافقتنامه‌های معدودی سعی در دادن امتیازاتی بیش از پیش به اقلیت‌ها داشتند. این امتیازها صرفاً به دلایل سیاسی - مذهبی به گروه‌های اقلیت مذهبی داده می‌شد، چرا که در صورت سر باز زدن کشور میزبان از اجرای مفاد مورد توافق، کشور دیگر نیز از حمایت تابعین کشور اول دست برمی‌داشت؛ لذا، حمایت از اقلیت‌ها بر پایه ترس از اعمال تلافی جویانه صورت می‌گرفت. طبعاً، بنا بر احتیاجات هر دوره‌ای در تاریخ، عناصر شکل دهنده تبعیض نیز در قالب تعاریف گوناگونی مطرح شد.

به مرور زمان، دایره شمول مفهوم اقلیت بسیار گسترده‌تر شد و از حالت صرفاً مذهبی به قومیت و نژاد نیز تعمیم یافت. در دوران ما، ظهور جامعه ملل، نقشی اساسی در تغییر نگرش جهان نسبت به وضعیت اقلیت‌ها و حقوق‌ایشان و مفهوم تبعیض داشت. دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری^۱، با طرح برخی مسائل حقوقی نسبت به این مسأله، فهم حقوقی جهان را ارتقا داد. (پیشبرد و تشویق احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب، ص ۳۴) به تدریج، حمایت از اقلیت‌ها از قالب اعمال تلافی جویانه خارج شد و تا حدی تحت سیطره قوانین عمومی حقوق بشر قرار گرفت، به طوری که پس از این که جامعه ملل نظرهایی را در این زمینه صادر کرد، منشور ملل متحد از اختصاص ماده‌ای جداگانه به آن پرهیز و به گنجاندن آن در کنار سایر قوانین حقوق بشری بسنده کرد. (پیشبرد و تشویق احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب، ص ۳۵). دولت‌ها برای نشان دادن پایبندی خود به حقوق بین‌الملل، غالباً با اعطای حداقل حقوق به اقلیت‌ها، تبعیض را از راه‌های پنهان‌تر و با وضع قوانینی که عملاً موجب محدودیت اقلیت‌ها و

^۱ Permanent Court of International Justice (PCIJ)

اعمال تبعیض غیرمستقیم می‌شد ادامه دادند. پس از تصویب منشور، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۴۲} گامی اساسی در پیشبرد حمایت از حقوق بشر به طور کلی محسوب می‌شد.

گام بعدی، تصویب دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۴۳} و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۴۴} بود که به شیوه‌ای عملی‌تر به حقوق اقلیت‌ها نیز می‌پرداخت و مواردی را صریحاً یا تلویحاً به حمایت از حقوق اقلیت‌ها اختصاص می‌داد. با شروع جنگ سرد و در طول آن، به رغم وجود حمایت‌های جسته‌گریخته و ایجاد برخی نهادهایی که به طور فرعی و در کنار سایر فعالیت‌های خود به حمایت از اقلیت‌ها می‌پرداختند، پیشرفت خاصی در این زمینه حاصل نشد و در درگیری‌های ایدئولوژیک بین‌المللی، حقوق اقلیت‌ها عملاً به فراموشی سپرده شده. پس از جنگ سرد، تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در آفریقا، یوگسلاوی و بسیاری مناطق دیگر و نیز ارتقا کلی دانش بشری سببی شد برای اندیشیدن دوباره و ارتقا بینش حقوقی جهان به مقوله اقلیت‌ها.

با شتاب گرفتن پیشرفت علم و فن‌آوری در دهه ۹۰ که تأثیر زیادی بر فرهنگ‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های جهانی گذاشت و نیز پدید آمدن رسانه‌های جدیدی چون اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای، افراد متعلق به اقلیت توانستند تریبونی برای اعلام هویت خود به دیگران و ارتباط با هم‌گروهان خود در سراسر جهان به دست آورند. این تغییرات شگرف، همچنان که در اقتصاد و سایر علوم رخ داد، در علم حقوق نیز بالطبع دیدگاه‌های جدیدی را به وجود آورد، مانند وضع قوانین تازه در رابطه با رسانه‌ها که صریحاً موادی را به اعطای امتیازات خاص به اقلیت‌ها اختصاص می‌دهد. از آن‌جا که نظام سیاسی بر پایه اکثریت، نظام حقوقی را حاکمیت می‌بخشد، سوال از جایگاه اقلیت، یکی از دغدغه‌های مهم در گفتمان عدالت حقوقی است که در فرهنگ‌های مختلف، پاسخ‌های متفاوتی می‌تواند داشته باشد. با توجه به اینکه دین مبین اسلام از طرف خداوند متعال به منزله دین خاتم و پیامبر اکرم نیز به عنوان پیامبر رحمت معرفی شده، نحوه تعامل دین اسلام با اقلیت‌های دینی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و حقوقی را برای همه‌ی انسان‌ها مطرح نموده است که هیچ کس بدون دلیل شرعی و به دلایل غیرواقعی حق ندارد مانع استفاده انسان‌ها از این حقوق شود. حقوق اقلیت‌ها در پرتو قرارداد ذمه، اهل کتاب و اقلیت‌های دینی دارای حقوقی می‌شوند که رعایت آن‌ها بر حکومت و جامعه اسلامی لازم می‌باشد، که این حقوق در متن قرارداد ذمه ذکر می‌شوند و براساس آن قرارداد، دولت اسلامی متعهد است از آنان به عنوان شهروند حمایت کند و هیچ مسلمانی حق تعرض به آنان را ندارد.

^{۴۲} Universal Declaration of Human Rights

^{۴۳} International Covenant on Civil and Political Rights

^{۴۴} International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

لذا می‌توان گفت در اصل به رسمیت شناختن اقلیت‌ها در فقه اسلامی و عدم طرد آنان از جامعه اسلامی و طراحی چارچوبی برای رفتار با اقلیت‌ها و همچنین برخی از حقوق مثل مالکیت بر مال، فرقی میان اقلیت‌ها و مسلمانان نیست و نیز در چارچوب قرارداد ذمه، امنیت جانی و مالی آنان توسط کشور اسلامی تأمین می‌شود و همین‌طور در فقه اسلامی، مواردی مانند استقلال قضایی یا قاعده التزام می‌تواند برای اقلیت‌ها قابل توجه باشد.

۲- مفهوم اقلیت

امروزه مسأله اقلیتها در گسترده‌ای مطرح می‌شود که به راستی ارتباط نزدیکی با ویژگیهای کلی زمان ما دارد در همه جا بعنوان واکنشی علیه گرایش به جهانی کردن، مردم در صدد حفظ هویت خود در مقابل این گونه یک شکل سازی هستند. از این رو افراد و اجتماعات به یک میزان اشتیاق خود را به حفظ موجودیت خویش، استفاده از توانایی‌های خلاقانه‌شان و داشتن نقشی فعال در زندگی ملی و بین‌المللی ابراز می‌کنند.

تنوعات فرهنگی، زبانی و مذهبی جوامع امروزی به جایی رسیده است که مفهوم اقلیت همچنان ظاهر است. اصطلاح اقلیت به جامعه‌ای اشاره دارد که خود را بر محور هویتی متفاوت از جامعه بعنوان یک کل سازمان می‌نهد و این تفاوت را علنی بیان می‌کند و خواستار به رسمیت شناخته شدن آن می‌شود. (مهاجران، ۱۳۷۲، ص ۳۳) رایج‌ترین تعریف از این پدیده را شاید جامعه‌شناسی معروف - لوئیس ورت^{۴۵} در سال ۱۹۴۵ - عرضه کرده باشد. بنظر وی اقلیت عبارتست از گروهی از اشخاص که به سبب برخی از خصوصیات جسمانی یا فرهنگی خود، با برخوردی متفاوت و متمایز با دیگر اعضای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند رو به رو می‌شود و در نتیجه خود را در معرض نوعی تبعیض جمعی می‌بیند. (درمنیتل، ۱۳۷۲، ص ۱۰)

بنابراین در نظر ویرت وجود اقلیت بطور خود بخود مستلزم وجود یک اکثریت است که از جایگاهی برتر برخوردار است و جایگاه فروتر اقلیت‌ها، آنان را از شرکت کامل در زندگی اجتماعی باز می‌دارد، پس بطور خلاصه اعضای یک اقلیت براساس ویژگیهای محسوسی مشخص می‌شوند که آنان را از دیگر اعضای همان جامعه جدا می‌کند. بعضی دیگر همچون مروین هریس، اقلیت بودن را بیشتر ناشی از نوعی تقدیر قطری می‌دانند تا پیامد تجربه زندگی، البته این تعریف کاربرد عام ندارد.

^{۴۵} Wirth, Louis

امروزه پژوهشگران برآنند تا بیشتر به سلطه سیاسی اکثریت اهمیت بدهند. گروه برتر با در اختیار داشتن منابع زندگی امکان تسلط بر شرایط زندگی دیگران را، از رهگذر مراقبت‌های بهداشتی، کار و شغل، مواد غذایی، آموزش و پرورش و درآمد‌ها پیدا می‌کند. اکثریت از رهگذر تسلط سیاسی است که می‌تواند به اقلیت تبعیض روا دارد و در برابر او رفتاری تحقیرآمیز یا خصمانه داشته باشد، رفتاری که ممکن است از تمسخر آغاز گردد و تا انهدام پیش رود. (درمنیتل، ۱۳۷۲، ص ۱۱)

۳- اقلیت‌ها در حقوق بشر معاصر

۳-۱ وضعیت اقلیت‌ها در جامعه جهانی قبل از تأسیس جامعه ملل

احتیاج به تبادل محصول فکری و مادی گروه‌های مختلف انسانی - از نظر خون، زبان و مذهب- و روح آمیزش و آشنائی بین ملتها و حس آزادمنشی و اعتبار در انتخاب مسکن و اقامتگاه از دیرترین ازمه حیات اجتماعی بشر حالت اختلاط اجتناب ناپذیر گروه‌های مختلف نژادی و مذهبی را در اغلب سرزمینهای مسکونی و کشورهای تشکیل شده‌ایجاب نموده است. بر اثر همین اختلاط قهری ملت‌ها، کمتر کشوری میتوان یافت که همه اتباع آن دارای نژاد و مذهب واحد بوده و افراد آن همگی از مشخصات ملی مورد نظر شخص و یا اشخاص و یا اکثریت حاکم برخوردار باشند. (عمید زنجانی، ۱۳۹۳، ص ۵)

اقلیتها در کشورهاییکه تحت حکومت نژادی و یا مذهبی اداره می‌شدند جز در موارد نادر معمولاً وضع ناگواری داشتند و نه تنها از منابع و حقوق نژاد و مذهب رسمی‌کشور محروم بودند، اصولاً نسبت به آنان چه از طرف حکومتها و چه از ناحیه افراد ملت رفتار ناپسند معمول می‌گردید و بر اثر همین رفتارها در بسیاری از موارد حوادثی رخ می‌داد که به شکنجه‌ها و کشتارهای دسته جمعی میانجامید و صحنه‌های رقت‌انگیزی ببار می‌آورد. (همان، ص ۷)

حکومت‌های یهودی که قبل از بعثت مسیح از مقتدرترین و پرسابقه‌ترین حکومت‌های آن عصر بودند نظر به پیوند خاصی که نژاد و مذهب در آئین یهود پیدا کرده و این آئین را در عین مذهبی بودن بصورت حاد نژادی درآورده است معمولاً از یک سیستم خشن نژادی و مذهبی پیروی می‌کردند و یا گروه‌های غیریهودی بمنزله حیوانات که باید در اختیار قوم برگزیده یهود باشند رفتار می‌نمودند. دولت یهودی که براساس برگزیدگی ملت یهود پی ریزی می‌شد و به همین دلیل نمی‌توانست تئوری دولت متشکل از گروه‌های مختلف نژادی و مذهبی را بپذیرد و یا تشکیل یک

حکومت جهانی را هدف خود قرار دهد ناگزیر سیاست آن در مورد توده‌های وسیع غیریهودی جز یکی از دو طرح زیر نمی‌توانست باشد.

۱- نابودی افراد غیریهودی و پاک نمودن سرزمین خود از نژاد تا پاک (غیر یهودی)

۲- به بردگی کشیدن آنان و بهره برداری هرچه بیشتر از نیروی این گروه‌ها برای مصالح ملت برگزیده یهود.

از نخستین سالهای قرن چهارم مسیحی که بتدریج آئین مسیحیت بعنوان دین رسمی امپراطوریهای روم پذیرفته و حکومتها و امپراطوریهای مسیحی زمام امور را بدست گرفتند، دوران آزادی مسیحیان و اسارت یهودیان یکجا آغاز گردید.

یهودیان چندین بار در حکومتهای مسیحی امپراطور روم قتل عام شدند و دسته دسته از سرزمینهای تحت حکومت روم اخراج گردیدند و در یک مورد کوروش پادشاه ایران به دهها هزار یهودی آواره و تبعید شده پناه داد و در قرن شانزدهم میلادی نیز حکومت مسلمان عثمانی هزاران یهودی را که از اسپانیا و پرتغال با وضع رقتباری رانده شده بودند پذیرفت و به آنان در سرزمینهای اسلامی مأوی داد. (همان، ص ۹) در سال ۱۶۴۸ قانونی از پارلمان انگلستان گذشت که بر طبق آن هرکسی که عقیده‌ای مخالف با اصل تثلیث ابراز نماید محکوم به اعدام می‌گردید و نیز در سال ۱۶۸۸ پارلمان انگلستان مذهب رسمی کشور را پروتستان معرفی نمود و مقرر داشت که هیچ مسیحی کاتولیک حق ندارد در قلمرو حکومت انگلستان به مراسم مذهبی خود عمل نماید.

در فرانسه تا اواخر قرن هفدهم مسیحی طبق مقررات خاصی که از طرف حکومتهای کاتولیک وضع شده بود پروتستانها دچار تزییقات دشواری بودند. آنها حتی آزادی برای دفن مردگان خود نداشتند و تنها در مواقع مخصوص چنین اجازه‌ای به آنها داده می‌شد و هنگام تشییع جنازه تنها ۳۰ نفر اجازه این کار را داشتند و در مواقع عروسی و غسل تعمید نمی‌بایست افراد (پروتستان) از ۱۲ نفر تجاوز کند. (عمید زنجانی، ۱۳۹۳، ۱۰) در واقع، مسأله اقلیت‌ها، از لحاظ تاریخی به دوران باستان و تأسیس امپراطوری‌های بزرگ باز می‌گردد و به تدریج، جنبه‌های مختلفی، اعم از ملی، نژادی و خصوصاً دینی از ابتدای قرون وسطی بخود گرفته است ولیکن علیرغم این سابقه دیرینه، از اوایل قرن حاضر بود که حقوق بین‌الملل توجه خود را به این مسأله معطوف ساخت.

از نظر نگارنده دلیل این امر برداشتی بود که تا آن زمان از مسأله اقلیتها می‌شد، برحسب عقیده‌ای رایج، از آنجا که این مسأله عمدتاً به روابط میان دولت و اقلیتهایی که در قلمرو سرزمینی آن هستند

مربوط می‌شود، از جمله امور داخلی دولتها محسوب می‌شده و مقررات مربوط به آن صرفاً در حوزه صلاحیت دولتها قلمداد می‌گردیده است.

۲-۳ وضعیت اقلیت‌ها در جامعه جهانی پس از جامعه ملل

پس از جنگ جهانی اول و دگرگونی چهره سیاسی اروپا بر اثر فروپاشی امپراطوریهای روسیه، ترکیه، مجارستان و عثمانی، مسأله اقلیتها ابعاد جدید و در عین حال وسیعتری بخود گرفت، چون خواسته های اقلیتها، خصوصاً اقلیتهائی که فراسوی مرزهای سیاسی پراکنده بودند، صلح و ثبات جامعه بین‌المللی را در معرض تهدید قرار می‌داد، اهمیت بین‌المللی آن نمایان گردید. از آن پس حقوق بین‌الملل دیگر نمی‌توانست نسبت به این مسأله بی تفاوت باقی بماند.

دوره جامعه ملل

با تشکیل جامعه ملل، مسأله اقلیتها، در سطح جامعه بین‌المللی مطرح گشت، حتی در ابتدا صحبت از این به میان آمد که میثاق این سازمان بین‌المللی بخشی را به تأمین حقوق اقلیتها اختصاص دهد. اما این طرح بر اثر تردید و مخالفت بعضی دولتها، رد گردید. (ذوالعین، ۱۳۸۷، ۴۴۰) با این وصف (پس از تشکیل جامعه ملل) مسأله اقلیتها به فراموشی سپرده نشد و کماکان یک نظام حمایتی نسبی ایجاد گشت که از منابع حقوقی متفاوتی سرچشمه می‌گرفت:

الف - شرط حمایت از اقلیتها^{۴۶}

قیدی در معاهدات بین کشورهاست که حمایت از اقلیتهای ملی را مقرر می‌دارد. معاهداتی که بعد از جنگ اول جهانی بین متفقین و قوای متحد و برخی کشورهای اروپای شرقی و کشورهای منطقه بالکان یعنی مجارستان، بلغارستان و ترکیه منعقد گردید، حمایت از اقلیتهای نژادی، مذهبی یا زبانی آن کشورها را مقرر می‌نمود. چنین اقلیتهائی باید در مقابل قانون یکسان فرض می‌شدند و حیات، زبان و اعتقادات مذهبی آنان مورد حمایت قرار می‌گرفت. کنوانسیون ۱۹۱۹، بین بلغارستان و یونان، مهاجرت آزاد اقلیتهای دو کشور امضاء کننده را مجاز شناخت. جامعه ملل موظف شد که برای تعهدات نظارت و سرپرستی کند و هرگونه نقض این تعهدات، منجر به اقدام از سوی جامعه ملل می‌گردید. (۲۰۰۱، vicytez)

^{۴۶} Minority Clause

وضعیت مشابهی در پایان جنگ دوم جهانی اتفاق افتاد که در معاهدات منعقد شده بین قوای متفقین با فنلاند، ایتالیا، بلغارستان، مجارستان، رومانی و بعدها اتریش، شرط حمایت از اقلیتها، اولین تلاش در قرن حاضر به منظور حمایت از حقوق بشر بود اگرچه با موفقیت چندانی مواجه نشده است، تلاشهای انجام گرفته بعد از جنگ جهانی اول در مسأله اقلیتها، قربانی افول و زوال جامعه ملل و رشد و دیکتاتوری در فاصله زمانی میان دو جنگ شد. (Robert L. Blodsoe and Boleslaw. Both, ۱۹۸۷, P.۷۷), باید خاطر نشان کرد که شروط مربوط به اقلیتها در معاهدات با شروط به نحوه رفتار با بیگانگان یکسان نیست زیرا دسته اخیر در طبقه بندی اقلیتهای ملی قرار نمی‌گیرند.

ب - معاهدات میان اقلیتهای مقیم در مرزهای تازه رسم شده، منعقد گردید که به عهد نامه های اقلیتها موسوم شدند.

ج - اعلامیه های یکجانبه بعضی از دولتهای عضو جامعه ملل (در مورد رعایت حقوق اقلیتهای ملی)

د - درج تعهدات دولتها در مورد اقلیتها در قوانین اساسی آنها و نظارت جامعه ملل بر اجرای این تعهدات. (پارسا، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲)

دوره سازمان ملل متحد

پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد^{۴۷}، انتظار می‌رفت حمایت از حقوق اقلیتها در برنامه کار نهاد جدید قرار گیرد. جنایاتی که بعضی دولتها علیه گروههای نژادی، دینی و ملی در طول جنگ مرتکب شده بودند چنین اقدامی را از سوی سازمان ملل ضروری می‌ساخت، لیکن این نهاد بین‌المللی از ابتداء از دید دیگری با قضیه برخورد کرد و با چشم تردید به آن نگریست. در واقع رفتار بعضی از اقلیتها قبل از جنگ و در طول جنگ و استفاده هائی که برخی دولتها برای نیل به اهداف تجاوزکارانه خود از آنها کردند (مثل ژرمنهای مقیم خارج از خاک آلمان) به طور کلی، باعث سلب اطمینان دولتهای فاتح از آنان و کاهش اشتیاق برای جستجوی راه حلی پیرامون این مسأله گردید. (ذوالعین، ۱۳۸۷، ص ۴۴۱) بعد از تأسیس سازمان ملل، در ابتدا نظام بین‌المللی حمایت از حقوق اقلیتها بر اثر مقرراتی که بمنظور حمایت از حقوق بشر به طور کلی و عدم تبعیض میان آنها وضع گردید، پایه ریزی می‌شد. (همان، ص ۴۴۳) در جهت اجرای منشور سازمان ملل متحد که رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی را برای همه، بدون تبعیض

^{۴۷} United Nations

نسبت به نژاد، جنس، زبان یا دین را اعلام نموده است (بند ۳ و ۴ ماده اول، مواد ۵۵ و ۵۶)، نخستین متون حقوقی مصوب این سازمان، سلسله اصولی را جهت تأمین حقوق همه افراد، اعم از اقلیت و اکثریت، بنیاد گذاشته‌اند.

این متون به ترتیب تاریخ تصویب عبارتند از:

۱- پیمان پیشگیری و سرکوبی جنایت کشتار جمعی^{۴۸} مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ که هر عملی را که در جهت از بین بردن تماس یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی ارتکاب یابد با قاطعیت محکوم کرده و تدابیری جهت جلوگیری از وقوع آن بعمل آورده است.

۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۴۹}، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۹، که طبق ماده ۲ آن همه اشخاص، بدون هیچ تبعیضی، من جمله (از نظر) نژاد، رنگ (پوست)، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی و هر عقیده دیگری اصل و نسب ملی یا اجتماعی، ثروت، تولد با هر وضعیت دیگری از تمام حقوق و آزادیهای اعلام شده در این اعلامیه برخوردار باشند.

۳- کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی^{۵۰} ۱۹۶۵

کنوانسیون که توسط کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد تهیه شده و اعمال تبعیض براساس نژاد و رویه های تبعیض (بویژه رجحان و یا تبعیضات مبتنی بر نژاد یا رنگ، اصلیت، ملیت یا قومیت) را منع می‌نماید. همچنین کنوانسیون، جداسازی نژادی با سیاستهای آپارتاید و گروههایی که به ترویج تئوریهای برتری نژادی می‌پردازند را محکوم می‌نماید. (Robert L. Bledsoe and Boleslaw A Boczok, ۱۹۸۷, F, ۷۹)

۴- پیمان بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی^{۵۱} و پیمان بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۵۲}، هر دو مصوب ۱۹۶۶ که هر دو بر برابری حقوق و عدم تبعیض تأکید و حقوق یکسان برای اقلیتهای و اکثریت قائل هستند. (به ترتیب بند اول ماده ۲ و بند ۲ ماده ۲).

در این سیستم، سازمان ملل متحد، سعی داشت که ضمن ترویج و تبلیغ حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه انسانها و نیز تبدیل اعلامیه ها و بیانیه ها به کنوانسیون و اسناد الزام آور، حقوق اقلیتها را هم تضمین نماید. (پارسا، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶)

^{۴۸} Contract for the Prevention and Suppression of the Crime of Massacre

^{۴۹} The Universal Declaration of Human Rights

^{۵۰} International Convention for the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, ۱۹۶۵

^{۵۱} International Covenant on Civil and Political Rights

^{۵۲} International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights,

از نظر نگارنده به مرور زمان و با تحول عقاید، مشخص گردید که حقوق اقلیت‌ها صرفاً تحت پوشش حقوق عام بشر حل نمی‌گردد. حمایت از حقوق اقلیت‌ها بدون در نظر گرفتن جنبه گروهی و دسته جمعی مسأله اقلیت‌ها به طور مسلم ناکامل و بی معنی خواهد بود. علیرغم پیچیدگی مسأله و گاهی هم مخالفت بعضی دولت‌های عضو، سازمان ملل فعالیت‌هایی را در این راستا آغاز نمود. از جمله گنجاندن ماده‌ای در پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ یعنی ماده ۲۷^{۵۳}، که به موازات این فعالیت‌ها منجر به تدوین و تصویب اعلامیه درباره حقوق اشخاص متعلق به اقلیتهای ملی یا قومی، دینی یا زبانی گشتند.

۴- اقلیت‌ها در فقه اسلامی

مسلمانان از همان آغاز شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه با پیروان ادیان دیگر روبرو شدند و قراردادهایی نیز با آنها منعقد کردند. قرآن کریم نیز در چندین‌ایه از پیروان ادیان دیگر یاد می‌کند و مسائلی را در رابطه با آن‌ها ذکر می‌کند. پس می‌توان گفت که دین اسلام از همان آغاز رسالت پیامبر (ص) به مسأله‌ی اقلیت‌های دینی توجه خاصی داشته است. این اسلام از همان ابتدا یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و صابئین را به عنوان اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی به رسمیت شناخت و پیروان خویش را به رعایت حقوق آنان ملزم ساخت. مسلمانان نیز در طول تاریخ هر جا زمام امور را در دست می‌گرفتند حقوق اقلیت‌های دینی را رعایت می‌کردند. حقوق و تعهدات این اقلیت‌ها از همان آغاز تحت عنوان پیمانی به نام قرارداد ذمه شناخته می‌شد. (امامی و نورالدینی، ۱۳۹۳، ص ۱۰)

۴-۱ ملاک و معیار عضویت در جامعه اسلامی

موضوع اقلیتها در فقه اسلامی به هیچ وجه بعنوان بیگانه و یا اقلیتی که در مقابل اراده و مصالح اکثریت اختیاری در تعیین سرنوشت و حقوق ندارد مطرح نیست و همچنین هیچگونه زمینه‌ای برای مشکل اختلاف نژادی و اقلیتی که از نظر نژاد و زبان و یا عناصر دیگری (که تابعیت در حقوق معاصر براساس آن تعیین می‌گردد) یا اکثریت اختلاف داشته باشد وجود ندارد. برای توضیح این مطلب باید به مبنای حقوقی و نظریه خاص ایدئولوژی اسلامی در مفهوم تابعیت توجه داشت در قانون و ایدئولوژی جهان اسلام مسئله تابعیت و ملیت براساس خون و یا زبان و یا خاک

^{۵۳} ماده ۲۷: "در کشورهایی که اقلیتهای نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیتهای مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند."

و سایر عناصر مادی دیگر استوار نیست بلکه موضوع تابعیت یک امر اختیاری و مربوط به عقیده و طرز فکر افراد تشکیل دهنده جامعه اسلامی می‌باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۹۳، ص ۲۳)

هر فردی که به عقیده اسلامی معتقد باشد جزئی از جامعه اسلامی محسوب شده و نژاد و زبان و اقامتگاه و سابقه تاریخی وی و خاندانش به هیچ وجه در این زمینه مؤثر و مورد نظر نیست. وحدت حقیقی و انسانی اجتماع و گروههای گوناگون بشری از نظر مبانی حقوق اسلامی تنها در صورت وحدت فکر و اراده و امیال عقلانی قابل تحقق می‌باشد و به همین دلیل ملت و جامعه اسلامی، عبارت از مجموعه گروههای مختلفی است که براساس عقیده و فکر واحد، زندگی مشترک و هماهنگ و قانون واحدی را برای تنظیم حیات اجتماعی و فردی خود انتخاب نموده‌اند.

بدین ترتیب در مجتمع برادری اسلامی هر فردی پس از یک پیمان اختیاری (ایمان) رسماً به عضویت جامعه متشکل اسلامی در می‌آید و تابعیت آنرا بعهده می‌گیرد و همه در برابر قانونی که بدان ایمان آورده‌اند مسئولیت و حقوق برابری می‌یابند، امتیازات و اختلافات مادی و اعتباری از بین می‌رود. عالی و دانی، فقیر و غنی، بزرگ و کوچک، سفید و سیاه، سرخ و زرد، نژاد آریایی و سامی، عرب و عجم، آسیائی و اروپائی، آمریکائی و آفریقائی و... همه و همه، برادر و عضو مسئول جامعه اسلامی می‌شوند. (عمید زنجانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴)

از نظر نگارنده در جامعه اسلامی که وحدت فکر و عقیده و اراده ضامن وحدت آن می‌باشد مشکلی بعنوان اقلیت و یا تبعیض و یا مشکل نژادی مطرح نمی‌شوند و هرگونه امتیاز موهوم لغو و محکوم می‌گردد.

۴-۲ دیدگاه فقه اسلامی در مورد اقلیت‌های نژادی، زبانی، قومی و ملی

ملاک و معیار پیوستن به جامعه اسلامی ایمان است و اصولاً دین اسلام مرزبندی‌های براساس نژاد، زبان، رنگ پوست و امثال اینها را به رسمیت نمی‌شناسد و براین مبانیات شریفه قرآن کریم، سنت و احادیث پیامبر اسلام، بعنوان دو منبع اصل حقوق اسلامی دلالت دارند. قرآن کریم، آفرینش انسانها از قبایل و دسته‌های گوناگون را مایه شناسائی و جزء پیچیدگی‌های خلقت می‌داند و هرگونه امتیاز و برتری براین اساس را رد می‌نماید: «ای مردم، ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و بصورت شعبه‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، براستی که برترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست، همانا خداوند دانا و آگاه است». (سوره حجرات، آیه ۱۳)

پیامبر اسلام نیز پیوسته بر نفی هرگونه امتیاز و برتری براساس تفاوت رنگ و زبان و مانند اینها، تأکید داشته است و این سخن آن حضرت بقدر کافی گویا است: لا فخر لعربی علی عجمی ولا لعجمی علی عربی ولا لأبیض علی اسود ولا لاسود علی ابیض الا بالتقوی. این سخنان را رسول خدا (ص) در جامعه‌ای مطرح می‌نمود که امتیازات نژادی و قبیله‌ای بر آن حاکم بود و در عمل نیز به عالی‌ترین شکل ممکن، الگوها و نمونه‌هایی در جهت مخالف با این امتیازات برقرار نمود. حضور برجستگانی در میان یاران آن پیامبر، از نژادها و زبان‌های مختلف و طبقات گوناگون بهترین نمونه برایین مطلب است

آری در شرایطی که جامعه جهانی و حقوق بین‌الملل بیشترین تلاش و فعالیت‌ها را برای امحای تبعیض نژادی بکار گرفت و اتفاقاً مصادیق بارز و روشن تبعیض نژادی در جوامع غیر مسلمان و بلکه در جوامعی بود که پای ملل غربی در آن حضور داشت؛ مانند تبعیضات علیه سیاهان در ایالات متحده آمریکا، تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی توسط مهاجرین سفید پوست اروپائی، دو نمونه بارز آن است. در این شرایط شاهد هستیم که پیوسته جوامع اسلامی از انجام و اعمال تبعیضات نژادی، زبانی و مانند اینها نسبت به اقلیتها، بدور بوده‌اند. برخلاف افسانه‌ها و خرافاتی که در میان پاره‌ای از اقوام وجود داشته و شاید اکنون نیز وجود داشته باشد که پاره‌ای از افراد بشر را در گوهر انسانیت برتری از پاره‌ای دیگر می‌دانند و نیز برخلاف آنچه از فلاسفه و دانشمندانی همچون افلاطون نقل شده که با صراحت می‌گفته‌اند: گروهی از انسانها برای بردگی آفریده شده‌اند و گروه دیگری برای آقائی و برده داری. در اسلام مطلقاً از این مسائل سخنی نیست و اسنادی که در بحث‌های پیش ارائه شد که همه انسانها را برادر می‌داند و همه را شایسته وصول به حیات طیبه و زندگی پاک و پاکیزه می‌داند گواه و شاهد این مدعا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۴۸)

از نظر نگارنده آزادی بشر و احترام به حقوق و حیثیت ذاتی انسان و دخالت ندادن عوامل عارضی از قبیل نژاد، زبان، رنگ، ملیت و غیره در اعتبار و امتیاز برای انسانها دقیقاً مورد توجه اسلام است و اساساً فلسفه بعثت پیامبران و بخصوص پیامبر اسلام (ص) آزاد کردن انسان از این گونه قید و بند و توجه دادن او به حیثیت ذاتی و کرامت و شرافت انسانی خویش است.

۴-۳ اقلیت‌های مذهبی از دیدگاه فقه اسلامی

در جامعه اسلامی، علاوه بر مسلمانان، همواره از بدو تأسیس مدینه النبی تا بحال، غیرمسلمانان نیز زندگی کرده‌اند و نظام اسلامی هیچوقت درصدد از بین بردن و بیرون راندن آنان از مجموعه جامعه اسلامی نبوده است، بلکه در منابع حقوق اسلام از جمله قرآن کریم وجود آنان را پذیرفته و

راه حل ویژه خود را برای همزیستی مسالمت آمیز اعلان نموده است. از لحاظ نظری، قرآن کریم، خانواده جهانی را به سه بخش تقسیم می‌کند، سه عضو این خانواده عبارتند از: مسلمانان، موحدان غیرمسلمان، ملحدان. اکنون خانواده جهانی دارای این سه عضو است و قرآن برای همه آنها پیامی ویژه دارد و حقوقی خاص برایشان قائل است. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰)

ادیان الهی که ریشه توحیدی دارند و از منبع وحی سرچشمه می‌گیرند دارای احترام و ارزش ویژه‌ای از دیدگاه اسلام هستند و از آنجا که پیامبران الهی که آن ادیان را آورده‌اند به همراه خود کتاب آسمانی داشته‌اند به اهل کتاب شناخته می‌شوند، درایات قرآن کریم و زمان پیامبر اسلام این اصطلاح بکار رفته است. اهل کتاب دلالت دارد بر پیروان آئین موسی (ع)، پیروان عیسی مسیح (ع) (مسیحیان) و نیز زرتشتیان (مجوس) و غیرمسلمانان غیر اهل کتاب نیز در جامعه اسلامی نیز از دید حقوق اسلامی نادیده گرفته نشده‌اند و احکام و حقوق دارند که بیان خواهد شد.

۵- عملکرد مؤسسات حقوق بشر در مورد حقوق اقلیت‌ها

خاستگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر بلکه حقوق بین‌الملل، جوامع غربی اعم از اروپایی و آمریکائی هستند و قوام این حقوق مبتنی بر فلسفه غربی است. بحث از فلسفه غربی حقوق بشر و مبانی آن، در این نوشتار کوتاه که به مقررات و حقوق توجه دارد تا به مبانی و فلسفه آنها ممکن نیست، مع ذلک نگاهی کوتاه به عملکرد بانیان و دولتهای صاحب‌این تفکر در زمینه حقوق بشر بطور عام و اقلیتها بطور خاص، می‌تواند مباحث مطرح شده در این فصل را از جنبه نظری و تئوری صرف خارج نماید و گوشه‌ای از زوایای اجرائی و عملی این مباحث را شفاف سازد. این بخش کوتاه هرگز در مقام بررسی کامل این عملکرد نیست و نیز درصدد بیان تفصیلی نقاط قوت و ضعف نمی‌باشد، بلکه توجه صاحبان فکر را به برخی از نقاط ضعفها و گره‌های کور در مسائل حقوق بشر و اقلیتها جلب می‌نماید.

پس از جنگ جهانی دوم و کشتارها و جنایات وسیعی که در نتیجه این جنگ پیش آمد، حمایت بین‌المللی از افراد بشر به سرعت چشمگیری گسترش یافت. اسناد بین‌المللی حقوق بشر به مرور در سازمان ملل متحد مطرح و به تصویب رسیدند. تا بحال بیش از یکصد اعلامیه و بیانیه و .. در این مورد صادر شده است. در مورد میزان موفقیت سازمان ملل در زمینه حقوق بشر - و از جمله حقوق اقلیتها - برای نمونه چند مورد را یادآوری می‌نمائیم و از طرفی عملکرد سیاسی - نه حقوقی - دول غربی را در این موارد شاهد هستیم.

۵-۱ برخورد سیاسی با مسائل حقوق بشر

الف - مسئله فلسطین

داستانی تکراری، غم‌انگیز است که اولاً اشغال سرزمین آن و تأسیس دولت اشغالگر با تأیید سازمان ملل بوده است و نیز حمایت مستقیم دولت استعماری انگلیس و ثانیاً استمرار اشغال این سرزمین و آواره کردن ملت فلسطین و تبعید آنان و به رسمیت نشناختن حق تعیین سرنوشت این ملت توسط یک رژیم اشغالگر از موارد نقض آشکار حقوق بین‌الملل می‌باشد و نقض حقوق بشر، زیر پا گذاشتن حقوق اولیه مردم فلسطین خود داستانی مفصل و جدا دارد. صهیونیسم سیاسی، مکتب پدید آورنده دولت اسرائیل، از ملیت پرستی و استعمار غربی در قرن نوزدهم به وجود آمد و یکی از فاجعه‌بارترین اشکال نژاد پرستی را براساس توجیهات مذهبی و اسطوره‌های تاریخی پدید آورد. مطابق قوانین اسرائیل هر یهودی از هر نقطه‌ای از دنیا و با هر تابعیت که باشد، در همان لحظه‌ای که به فرودگاه اسرائیل قدم گذارد، تبعه اسرائیل خواهد شد ولی یک فلسطینی متولد فلسطین و از پدر و مادر فلسطین را می‌توان بی‌تابعیت تلقی کرد.

با توجه به همین رویه نژاد پرستانه بود که مجمع عمومی سازمان ملل (با فشار کشورهای جهان سوم) در قطعنامه شماره ۳۳۷۹ مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۷۵ اعلام کرد: صهیونیسم یکی از اشکال نژاد پرستی و تبعیض نژادی است و چنانکه می‌دانیم ممنوعیت تبعیض نژادی از مصادیق بارز قاعده آمده در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. (مظفری، ۱۳۹۶، ص ۱۶۳) اما، باین وجود، بزرگترین حامی این موجودیت اشغالگر نژادپرست، از حیث اقتصادی، سیاسی، مالی، نظامی، تکنولوژیکی و.. غیره دول غربی هستند و سیستم سازمان ملل هم عملاً با دخالت این کشورها، قدرت عکس العمل قدرتمند مقابل آن را ندارد.

ب - الجزایر

دولت الجزایر، طبیعی‌ترین حق ملت خود را که عبارت از حق شرکت در اداره امور کشور و انتخابات است زیر پا گذاشت (نقض ماده ۲۱ اعلامیه جهانی و ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی) و با اعمال زور و دخالت ارتش در سال ۱۹۹۲، انتخابات را باطل کرد و دولت نظامی را علی‌رغم اراده اکثریت مردم مسلط گردانید. (که نتیجه آن نقض آشکار حقوق مردم، بروز خشونت از سوی دو طرف و کشته شدن ده‌ها هزار نفر تاکنون بوده است) ارگان‌های سازمان ملل در خصوص نقض گسترده و مسلم حقوق بشر اقدام موثری انجام ندادند، نه نماینده ویژه‌ای تعیین

شد و به قطعنامه‌ای صادر گردید. البته گزارشگر ویژه حق آزادی عقیده و بیان، به این وضعیت در الجزایر پرداخته و مواردی را که افرادی به لحاظ عقیده و بیان تهدید به قتل شده و یا به قتل رسیده‌اند مورد بررسی قرار داده و نتیجه گیری کرده، که این افراد در اثر حمله تروریست‌های بنیادگرای اسلامی به قتل رسیده‌اند و اظهار امیدواری کرده که دولت الجزایر بتواند آنها را شناسایی کند و تحت پیگرد قرار دهد. ولی نسبت به تخلف آشکار آن دولت از اصلی‌ترین حقوق انسانی ملت خود و تبعات وحشتناکی که در پی داشته، اقدامی صورت نگرفته است. (E/CN, ۴/۱۹۹۵/۳۲, p.۲۱ علت آن هم روشن است، دولتهای عمده غربی از عمل خلاف حقوق بشر دولت الجزایر حمایت می‌کنند و همانها در تصمیم‌گیریهای سازمان ملل مؤثرند. (مهرپور، ۱۳۹۴، ص ۳۵۷)

ج - عراق

عراق تا قبل از حمله به کویت و رویارویی با منافع آمریکا و غرب از نظر وضعیت حقوق بشر تحت نظر و مراقبت ویژه سازمان ملل قرار نداشت و کمیسیون حقوق بشر برایش نماینده ویژه تعیین نکرده بود. با اینکه همه شواهد بر نقض گسترده حقوق بشر از سوی دولت مزبور، مخصوصاً طی دوران جنگ آن با جمهوری اسلامی ایران، دلالت داشت. (جنایاتی علیه بشریت مانند کشتار حلبچه، که البته دول غربی خود بعد از جنگ کویت و عراق، به این نقض گسترده اعتراف کردند) ولی همین که منافع قدرتهای غربی را به خطر انداخت و با آنان از در مخالفت و تمرد درآمد، هم فوراً منکوب شد، هم محاصره اقتصادی گردید و هم از نظر نقض حقوق بشر در آن کشور مورد اتهام قرار گرفت و هر ساله نماینده ویژه گزارش و خیمی در مورد وضع بد حقوق بشر در آن کشور ارائه می‌دهد و قطعنامه علیه آن صادر می‌گردد.

د- برخورد حمایت آمیز و همراه با سکوت

دولت آمریکا در قبال نقض فاحش حقوق بشر توسط گروه طالبان در افغانستان نسبت به اقدام غیر پشتون بویژه شیعیان افغانستان - که در اقلیت هستند نمونه روشن دیگری از عملکرد گزینشی و سیاسی دول غربی در مورد حقوق بشر و اقلیتهای بشری است. (مهرپور، ۱۳۹۴، ص ۳۵۷)

۲-۵ بی توجهی به مفاهیم اخلاقی و ارزش‌های مذهبی

گزارشگر ویژه حق آزادی و عقیده و بیان، در مورد سلیمه نسرین، نویسنده زن بنگلادشی که به قرآن کریم و مقدسات اسلامی توهین کرده و مطالب کفر آمیز گفته است و خشم مردم مسلمان

بنگلادشی را برانگیخته است، نه تنها از فتوای صادره علیه وی از سوی یک روحانی بنگلادشی اظهار نگرانی کرده، بلکه نگرانی عمیق خود را از صدور دستور بازداشت وی به حکم یک دادگاه براساس قانون جزای بنگلادش (ماده «الف» ۲۹۵ قانون جزا) و اعلام محاکمه وی طبق مقررات قانون، اعلام نموده است. یعنی درست در آنجا که دولتی، مطابق مقررات قانونی و در محدوده قانون برای دفاع از اخلاق عمومی، متخلف را تحت تعقیب قرار می‌دهد، گزارشگر ویژه ابراز نگرانی می‌کند ولی از اعمال خلاف اخلاق عمومی مرتکب، نگرانی به خود راه نمی‌دهد. *Ibid.* p. (۲۶) آزادی فردی به حسب ظاهر بسیار مورد توجه و پشتیبانی قرار گرفته و بیشترین حمایت را در رابطه با محدودیت‌های مذهبی دارد.

محدود کردن آزادی فردی با عنوان برخورد و مغایرت آن با نظم عمومی و امنیت جامعه به راحتی قابل درک و پذیرش است ولی محدود کردن آن طبق قانون به لحاظ برخورد آن با مقتضیات اخلاقی و مذهبی در منطق سازمان ملل مورد پذیرش نبوده و محکوم می‌شود، گرچه در اعلامیه حقوق بشر مشروعیت این محدودیت تصریح نشده است. اخراج دختران محجبه از مدارس و محروم کردن آنها از تحصیل به لحاظ داشتن حجاب و لائیک بودن نظام جمهوری فرانسه، مقامات سازمان ملل را بهتر قانع می‌کند تا ایجاد محدودیت پوشش برای خانمها در مجامع و محافل عمومی به خاطر حفظ عفت عمومی و موازین اخلاقی. (مهرپور، ۱۳۹۴، ص ۳۵۹) گزارشگر ویژه حق آزادی عقیده و بیان، خود می‌پذیرد که بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آزادی بیان را به خاطر حفظ اخلاق عمومی محدود می‌کند و بنابراین دولت‌ها می‌توانند در حدود مقررات قانونی در جهت حفظ اخلاق عمومی در آزادی بیان مداخله کرده و در حد لازم آن را محدود کنند. (ECN. ۴۱۱۹۹۵۱۳۲, p.۱۱) بنا به گفته گزارشگر مزبور دو موضوع پورنوگرافی (تبلیغ و انتشار صور قبیحه و خلاف عفت) و اظهارات کفر آمیز^۴ از مصادیق خلاف اخلاق عمومی به حساب آمده که می‌توان بدان جهت آزادی بیان را محدود کرد و با این ترتیب اگر دولتی، محدودیتهایی در زمینه انتشار مطالب خلاف عفت عمومی و تبلیغات کفر آمیز علیه اعتقادات مذهبی وضع کند و برای متخلفین مجازات وضع نماید، برخلاف موازین حقوق بشر اقدام نکرده است ولی با این وصف مشاهده می‌کنیم، همواره از ناقضین این قوانین حمایت شده و از دولتی که متخلف را تعقیب کرده به عنوان ناقض حقوق بشر یاد شده و هیچگاه دولتی به خاطر تشویق و حمایت و تسهیل انجام پورنوگرافی با اظهار و تبلیغ و نشر مطالب کفرآمیز خلاف مقدسات مذهبی تقبیح نشده است. (همان، ص ۳۵۹)

^۴ Blasphemy

خلاصه اینکه از نظر نگارنده سیستم حقوق بشر سازمان ملل و در کنار آن دول غربی مدافع این سیستم، عنایتی به رشد اخلاقی و پرورش معتقدات مذهبی ندارند. در حالی که بیشترین توجه به کرامت و شرافت ذاتی انسان و احترام به حقوق اساسی آنها در مکاتب مذهبی الهی دیده می‌شود و عمده دستورات عملی‌های مذهبی نیز در جهت رفع ظلم و تجاوز و تعدی به حقوق انسانی دیگران می‌باشد و این خود می‌تواند بهترین عامل برای ترویج و تقویت رعایت حقوق بشر به معنای واقعی آن باشد. هر چند برخی از مقررات و احکام اجتماعی بعضی از مذاهب، به نظر غیرمنطبق با اصول حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان و تساوی معقول همه افراد می‌آید ولی آن مقررات قابل بررسی و تبیین و احیانا با توجه به مقتضیات زمان و مکان قابل تغییر هستند. لیکن اصل روحیه معنوی و اعتقاد مذهبی می‌تواند، مؤثرترین وسیله برای رعایت حقوق بشر باشد.

۳-۵ برخورد با اسناد بین‌المللی حقوق بشر

معمولاً دولت‌ها هنگام تصویب یک سند بین‌المللی مربوط به حقوق بشر از حق تحفظ استفاده کرده یا اعلام قید و یا صدور اعلامیه، در واقع قوانین داخلی خود را مقدم داشته و مفاهیم حقوق بشری اعلام شده در اسناد بین‌المللی را آن گونه که خود می‌فهمند تفسیر می‌کنند و در این تفسیر نظم عمومی و امنیت ملی خویش را مقدم می‌شمرند. در این زمینه جالب است که به دو سه نمونه از قیودی که دولت آمریکا و فرانسه بر مهمترین میثاق بین‌المللی حقوق بشر یعنی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وارد کرده‌اند اشاره نمود.

اولاً، تعجب در این است که ایالات متحده، از زمره کشورهای غربی است که شمار بسیار ناچیزی از کنوانسیونهای راجع به حقوق بشر را امضاء کرده است و در حال حاضر، این کشور فقط آن تعداد را که از اهمیت چندانی برخوردار نیست امضاء کرده است و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را سال ۱۹۹۲ تصویب نموده است یعنی ۲۶ سال پس از تصویب میثاق در صحن سازمان ملل (میثاق در سال ۱۹۶۶ تصویب شده است). (آنتونیو کاسسه، ۱۳۷۰، ص ۳۳۹)

ثانیاً، ماده ۲۰ میثاق مزبور می‌گوید که هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است. دولت آمریکا بر این ماده تحفظ دارد و می‌گوید نمی‌تواند آزادی بیان و اجتماعات را که طبق قانون اساسی و دیگر قوانین آمریکا حمایت شده محدود نماید و نیز، طبق ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هرگونه شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه و برخلاف انسانیت و شئون بشری ممنوع است و همین معنی در ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تصریح شده است دولت آمریکا در هنگام تصویب میثاق اعلام داشته که نسبت به ماده ۷ خود را ملزم می‌داند از رفتار ظالمانه و

غیرانسانی یا مجازات خلاف شئون انسانیّت به مفهومی که در اصلاحیه های قانون اساسی آمریکا آمده است، خودداری کند. (مهرپور، ۱۳۹۴، صص ۱۴۰ - ۱۴۱)

در رابطه با ماده ۲۷ میثاق، نیز دولت فرانسه تحفظ دارد. ماده ۲۷ میثاق می‌گوید که در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعا با سایر افراد و گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.

۶- عملکرد جوامع اسلامی در مورد حقوق اقلیت‌ها

۶-۱ اولین تفاهم نامه بین ادیان

به محض هجرت مسلمانان از مکه به مدینه و همزمان با روزهای اولیه شکل‌گیری دولت اسلامی در این شهر، نخستین جامعه چند فرهنگی و چند مذهبی تشکیل شد و اولین تفاهم نامه بین الادیان با توافق سران دو جامعه مسلمان و یهودی به امضاء رسید. از آن تاریخ به بعد نیز موافقت نامه های متعددی با پیروان سایر ادیان به امضاء رسید. (قزوینی، ۱۳۹۵، ص ۶۱) قانون اساسی مدینه براندیشه جامعه‌ای متشکل از مسلمان و غیرمسلمان مهر تأیید زد. در این زمینه موافقت نامه هایی با قبایل مسیحی و یهودی منعقد شد و یهودیانی که به مسلمانان می‌پیوستند، استحقاق کمک و حمایت داشتند، بی آنکه تحت ستم واقع شوند یا به دشمنان آنان کمکی اعطا شود. بر همین اساس، نامه‌ای به اسقف‌ها و جامعه مسیحی نوشته شد که می‌گوید: هیچ اسقفی از سمت مذهبی‌اش برداشته نمی‌شود و نه راهبی از دیرش و نه کشیشی از مسئولیت و وظیفه‌اش و اینکه حمایت خدا و رسولش برای همیشه شامل حال آنان خواهد بود. (مظفری، ۱۳۹۶، ص ۳۲)

۶-۲ تسامح دینی

پیامبر اسلام ضمن آنکه خود نخستین فردی بود که گفتگو را با پیروان سایر ادیان مکتب‌های عقیدتی آغاز کرد و صفت شایسته‌ای را در این زمینه پایه گذاری نمود، تباین نظر و اختلاف دیدگاه‌ها را برای پیروان خود رحمت می‌دانست. رسول اکرم (ص) با تبلیغ پیام خدا و هدایت مردم، تسامح دینی را به مسلمانان آموزش داد، به عنوان مثال از هیئت‌های مسیحی، بخصوص مقامات مذهبی که برای مذاکره و گفتگو با پیامبر به مدینه می‌رفتند، استقبال شایسته‌ای می‌کرد و به آنها اجازه می‌داد تا در گوشه‌ای از مسجد در کنار مسلمانان مراسم دعا و عبادت خود را به جای

آوردند. در سالهای بعد و همزمان با اوج اقتدار دولت اسلامی، تسامح دینی را از مهمترین ویژگیهای اخلاقی مسلمانان بود. خلف بن مثنی، از دانشمندان قرن دوم هجری، نقل می‌کند، در شهر بصره، محفلی را دیده است که حاضران در آن هر کدام به نحله‌ای (مکتب و مرامی) وابسته بودند از جمله: خلیل بن احمد فراهیدی، شاعر و دانشمند علم نحو (از پیروان اهل سنت)، حمیری، شاعر (شیعی)، صالح بن عبدالقدوس (زندیق)، سفیان بن مجاشع (از وابستگان به فرقه خوارج) ابن رأس الجالوت، مقام مذهبی (یهودیان)، ابن نظیر، از دانشمندان علم کلام (مسیحی)، عمر بن المؤید، دانشمند (زرتشتی) ابن سنان الحرابی، شاعر (پیرو فرقه صائبیه) بشار بن برد، شاعر ایرانی الاصل (پیرو شعوبیان) همگی دور هم گرد آمده درباره مسائل مختلف بحث و گفتگو می‌کردند. (قزوینی، ۱۳۹۵، صص ۶۴ - ۶۳)

۳-۶ برخورد با غیر مسلمانان

وقتی ابو عبیده به فرمان مرکز حکومت وقت پایتخت سوریه را گرفت، بزرگان اهل کتاب، یهود و نصاری، در ظرفهایی طلا و نقره و اموال بسیار زیادی را آورده و به فرمانده سپاه مسلمین تقدیم کردند. آنها هم گرفته و به مأموران مالی سپردند، مدتی براین نگذشته بود که از طرف امپراطور روم هرقل (هراکلیوس) به مسلمانها اعلان جنگ شد. ابو عبیده که فرماندار بود پیغام فرستاده و تمام رؤسا و بزرگان یهود و نصاری را خواست و دستور داد تمام صندوقهای جزیه را اعم از طلا و نقره بیاورند و به آنان بدهند. ما این جزیه را گرفتیم برای زندگی دسته جمعی خودمان بوده ولی در حال حاضر تکلیف ما روشن نیست و ممکن است مغلوب شویم و آن موقع نمی‌توانیم شما را اداره کنیم. بنابراین پول را ما نمی‌توانیم مالک شویم. آنها گفتند: "زاممداری شما برای محبوبتر است از زمامداری گذشتگان و شما با ما به عدالت رفتار می‌کنید، ما دروازه های شهر را می‌بندیم و تا آخرین نفر از شما دفاع می‌کنیم و کمک شما هستیم. بعد از اینکه مسلمانها رفتند و پیروز شدند. به پیشواز مسلمانان آمدند و جزیه را دوباره تحویل دادند. (جعفری تبریزی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۷)

۴-۶ دین شناسی تطبیقی ابتکار مسلمانان

اسلام به وجود فرقه های غیرمسلمان معترف بوده و از اهل کتاب و اهل ذمه سخن به میان آورده و حقوق و مقرراتی برایشان تنظیم نموده است. و در همین راستا است که علم تقارن ادیان و مقایسه ادیان بوجود آمده است، قرآن کریم آنگاه استوانه این علم را پایه ریزی می‌نماید که

می‌فرماید: "ولا تجادلوا أهل الكتاب الا بالتي هي احسن" (عنکبوت ۴۶) در واقع بحث و مذاکره آزادانه معنای حقیقی این علم است.

مشهورترین کتابهایی که درباره ملل و نحل نگاشته شده و همین موضوع را عنوان خود نیز ساخته‌اند کتاب "الملل و النحل" ابن منصور بغدادی (۴۲۹ ه ق)، الفصل فی الملل والأهواء فی النحل ابن حزم اندلسی (۴۵۶ ه ق) و نیز "الملل و النحل" شهرستانی (۵۴۸ ه ق) است. در این میان کتابی نیز ابوریحان بیرونی، تحت عنوان "تحقیق ماللهند.." تألیف نموده است که چنانچه از نامش پیداست مختص به ادیان سرزمین هند است. (محقق داماد، ۱۳۹۶، ص ۲۱-۱۷)

نتیجه گیری

مواردی که دیدگاه اسلام با مقررات حقوق بین‌الملل همخوانی ندارد؛ که مورد عمده آن در مبحث تساوی در برابر قانون و نیز در مبحث آزادی مذهبی بویژه آزادی تغییر دین (ارتداد) است. در صورتیکه مقررات اسلامی، مستند به حکم ثابت الهی است در چارچوب اصولی چون اصل توحید و اینکه اسلام دین فطرت و کاملترین دین برای سعادت بشری است و باینکه در حقوق اسلامی، دین اعتقاد دینی جزء مفهوم حاکمیت اسلامی است و سیطره و اجرای مقررات اسلامی جزء مسائل حاکمیتی است قابل دفاع می‌باشد و در مواردی که از احکام ثابت الهی نمی‌باشد با استفاده از اصل اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط و با لحاظ اصل عدالت بعنوان یکی از مبانی حقوق اسلامی و تحولات زمان و مکان قابل بررسی می‌باشد.

اختیارات حاکم اسلامی و مصلحت عمومی جامعه، نیز می‌تواند در این موارد راهگشا باشد و در هر صورت برای حل موارد تعارض، ضمن توجه و استناد به اصل عدالت، باید به این نکته توجه داشت که عدالت نیز مقدمه‌ای برای تحقق توحید است و خدا پرستی و شکل کامل و جامع و نهایی توحید و خداپرستی، در دین اسلام حاصل می‌شود. و البته این اختلاف مبنایی و اساسی حقوق اسلامی در موضوع مورد بحث با حقوق بین‌الملل است و مراجع و مراکز حقوق بشر اعم از سازمان‌های بین‌المللی و دول غربی باید از اینکه مقررات بین‌المللی حقوق بشر که مبتنی بر فلسفه غربی و جدایی دین از اجتماع و حکومت و نظام سکولاریزم است را بر همه ملل جهان - با تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف - تحمیل نمایند اجتناب کنند و این فرصت را فراهم نمایند تا اندیشمندان و متفکران نظام‌های حقوقی جهان - و از جمله نظام حقوقی اسلام - موضوعات حقوق بشر را مورد بحث و گفتگو قرار دهند و شناسایی و رعایت حقوق و آزادی‌های مذهبی

مستلزم پذیرش فلسفه غربی نباشد بلکه مقررات مربوطه به نحوی تدوین شود که با الگوهای موجود و متعدد قابل تطبیق باشد.

از این بحث مبنایی نظری که بگذریم، تا رسیدن به این ایده آل و فرصت و تحقق گفتگوی تمدن‌ها، در عمل و اجرا و برخورد با موضوعات حقوق بشر از جمله حقوق اقلیت‌های مذهبی، کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران باید این نکات را مورد توجه قرار دهند:

۱- آن دسته از مقررات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، از جمله اقلیت‌های مذهبی را که با مقررات اسلامی تعارضی ندارد - اکثریت مقررات این‌چنینی است - به دقت و با جدیت اجرا نموده و در زمینه آموزش حقوق بشر، نهادینه کردن آن و جلوگیری از نقض این مقررات در سطح جوامع اسلامی - از جمله در برخورد با اقلیت‌های مذهبی - اقدامات مؤثری را اعمال نمایند و طبیعی است که این عمل هم با مبنای انسان دوستانه اسلام و رأفت و رحمت اسلامی سازگار است و هم تعارض و تقابل با مجامع بین‌المللی حقوق بشر را کمتر می‌نماید.

۲- آن دسته از مقررات بین‌المللی را که با احکام اسلامی تعارض آشکار دارد را با حق شرط بپذیرند و در صورت عدم امکان، از پذیرش آن خودداری نمایند و امروزه با توجه به استفاده گسترده دول غربی از حق شرط و یا عدم پذیرش برخی اسناد بین‌المللی از طرف آنان، این نوع برخورد از طرف کشورهای اسلامی نیز می‌تواند توجیه پذیر باشد.

۳- فعالیت‌های آکادمیک و علمی در زمینه حقوق بشر را چه در سطح ملی و داخلی و چه در سطح بین‌الملل اسلامی از طریق نهادهای وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی گسترش دهند و به از مبنای و مستندات احکام اسلامی به زبان حقوقی و متناسب با جهان امروز دفاع نمایند و متقابلاً پیشرفت‌ها و نوآوری‌های مجامع غربی در زمینه حقوق بشر که مبتنی بر فطرت صحیح انسانی است را مورد توجه قرار دهند و با حفظ اصول اسلامی، از آنها بهره لازم را بگیرند.

منابع

فارسی:

- امامی، محمد و نورالدینی، حسین، سیری در حقوق اقلیت‌های دینی در اسلام اکرم (ص) و امام علی (ع) در دوره پیامبر، فصلنامه تاریخ نو، شماره هفتم، ۱۳۹۳.

- آنتونیو کاسسه، حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- پارسا، علیرضا، فرهنگ حقوق بین‌الملل، نشر قومس، ۱۳۹۵.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، تکاپوی‌اندیشه‌ها، ۱۳۹۶.
- جوادی آملی، عبد الله، فلسفه حقوق بشر، اسرا، ۱۳۷۵.
- درمنیتل ویر، پیام یونسکو، اقلیت چیست، ترجمه محمد پوینده، دوره ۲۴، نشر ۲۷۷، تیرماه ۱۳۷۲
- ذوالعین، نادر، مقاله حمایت از حقوق اقلیتها در حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۸۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیتها براساس قانون قرارداد ذمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، پاییز ۱۳۹۳.
- قزوینی، علی، مبانی نظری تفاهم اسلام و غرب، مجله سیاست خارجی، سال دهم، شماره ۹، ۱۳۹۵.
- محقق داماد، مصطفی، اسلام و دعوت ادیان به رعایت کرامت انسانی، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۷، ۱۳۹۶.
- مظفری، محمد حسین، نابرداری مذهبی، مؤسسه فرهنگی‌اندیشه معاصر، ۱۳۹۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، مقاله مسأله مساوات در اسلام، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، بهمن ۱۳۹۰.
- مهاجران، اقلیت‌های کاستوریانو ریوا - پیام یونسکو ترجمه محمد تقی زاده مطلق، دوره ۲۴، شماره ۲۷۷، تیر ماه ۱۳۷۲.
- مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۴.
- انگلیسی:
 - vierrez, Ruiz, Eduardo Javien. Protection of Linguistic Minorities: A Historical approach. Most Journal of Multicultural societies. Vol. ۳, no. ۱, ۲۰۰۱.
 - THE INTERNATIONAL LAW DICTIONARY, by Robert L. Blodsoe and Boleslow. Both, ۱۹۸۷